



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی





شماره: ۱۲۰

عنوان: از حرف تا عمل؛ کارنامه‌ی نظام جمهوری  
اسلامی ایران

نویسنده: طاها رضوی

تاریخ: ۱۴۰۲/۱/۱۸



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح بنحفظه الله تعالی

**توجه:** دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



﴿يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾<sup>۱</sup>

«آنان را وعده می‌دهد و آرزومند می‌کند؛ و شیطان جز برای فریب وعده‌ی‌شان نمی‌دهد.»

یکی از دلایل اصلی همراه شدن توده‌های مردمی و احزاب مختلف سیاسی با انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی، وعده‌های رنگارنگی بود که توسط رهبران انقلاب برای همراه کردن اقشار مختلف جامعه مطرح می‌شد؛ از آزادی بیان و مطبوعات، تضمین حقوق بشر، برابری، نفی استبداد و رفاه مادی گرفته تا آباد کردن آخرت مردم در پرتو اجرای احکام الهی

۱. النساء/ ۱۲۰

در این کشور و صدور این انقلاب به ظاهر اسلامی به سراسر جهان با هدف ایجاد یک تمدن بزرگ اسلامی و تحویل پرچم حاکمیت جهانی به دست موعود آخر الزمان! شاید معروف‌ترین این وعده‌ها، سخنرانی روح الله خمینی در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۵۷ باشد که در آن با صراحت تمام از بهبود وضع دنیا و آخرت مردم سخن به میان آورده و گفته است:

«سرتاسر ایران برای ضعفا مسکن می‌سازیم. همین دارایی شاه سابق و خواهر و برادرش، برای یک مملکت، برای آباد کردن یک مملکت کافی است. ما عمل می‌کنیم، حرف نمی‌زنیم... ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند این‌ها. دلخوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجاناً می‌کنیم برای طبقه‌ی مستمند، اتوبوس را مجاناً می‌کنیم برای طبقه‌ی مستمند، دلخوش به این مقدار نباشید، معنویات شما را، روحیات شما را، عظمت می‌دهیم، شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم... ما هم دنیا را آباد می‌کنیم و هم آخرت را. یکی از اموری که باید بشود، همین معناست که خواهد شد.»<sup>۱</sup>

شکی نیست که چنین وعده‌هایی از ناحیه‌ی فردی در لباس روحانیت، برای مردمی که از یک سو از ستم شاه به ستوه آمده بودند و از سوی دیگر دوستدار اسلام و پیرو روحانیت شیعی بودند، بسیار جذاب، معقول و ممکن به نظر می‌رسید، تا حدی که روشنفکران آن زمان نیز در کنار خیل کثیری از مردم، فریب این حرف‌های قشنگ، اما بی‌بنیاد را خوردند و با قلم و مال و جان خود به میدان مبارزه آمدند تا بستر به قدرت رسیدن فقها را فراهم سازند. این در حالی است که فرد نامبرده در سخنان دیگری به صراحت اذعان می‌کرده:

«ممکن است من دیروز حرفی را زده باشم و امروز حرف دیگری را و فردا حرف دیگری را، این معنا ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زده‌ام باید روی همان حرف باقی بمانم!»<sup>۲</sup>

چیزی که در این بین عجیب است، این است که چطور توده‌ی مسلمان و مذهبی در ایران فریب شخصی با چنین نگرش و روحیه‌ای را خوردند و حاضر شدند برای استقرار

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۶، ص ۲۷۳

۲. صحیفه‌ی امام، ج ۱۸، ص ۲۴۱

و بقای حکومت او خون بدهند و بجنگند، بل همچنان از نظامی که او بر سر کار آورده و مصداق اتمّ و اکمل نظام خدعه و فریب است، پاسداری می‌کنند، اگرچه به قیمت پشت کردن به امام مهدی علیه السلام و نادیده گرفتن زمینه‌ساز ظهور آن حضرت، در حالی که خداوند در کلام خود به وضوح از خدعه‌ی شیطان بر حذر داشته و خبر داده است که برخی ستمگران به برخی دیگر از روی فریب وعده می‌دهند؛ چنانکه فرموده است: ﴿بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا﴾<sup>۱</sup>.

باری، پس از گذشت نزدیک به نیم‌قرن از حکمرانی فقها، اقشار مختلف مردم و نیز احزاب سیاسی و گروه‌های موافق و مخالف نظام، به طرق و با بهانه‌های گوناگون، به ارزیابی عملکرد حکومت فقیه در تحقق وعده‌هایش می‌پردازند؛ وعده‌هایی که امروز از آن‌ها جز تیتراهایی در روزنامه‌های قدیمی و لفاظی در فیلم‌های باقی‌مانده از سخنرانی رهبر اصلی انقلاب، اثری به چشم نمی‌خورد و همین امر باعث شده است تا اغلب مردم از افراد تحصیل کرده پشت تریبون‌های مختلف تا اهل کوچه و خیابان، متفق القول به دروغ بودن آن‌ها پی برند و بر بی‌کفایتی این حاکمان در حل مشکلات و اهتمام‌شان به تخریب دین و دنیای مردم به صورت توأمان شهادت دهند. وضعیتی اسفبار که امروز برای هر فرد بینایی اظهر من الشمس است و پژوهش‌ها و تحقیقات علمی و میدانی نیز آن را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه، گروه مطالعات افکار سنجی ایرانیان (گمان)<sup>۲</sup> گزارشی از یک پژوهش درباره‌ی «نگرش ایرانیان به دین» منتشر کرده است که از چهره‌ی حقیقی حکومت غیر معصوم و بلایی که بر سر مردم مسلمان تحت حاکمیت خود آورده است، پرده برمی‌دارد. بنا بر گزارش رسمی گمان، این نظرسنجی «از تاریخ ۱۷ خرداد تا ۱ تیر ۱۳۹۹ به مدت ۱۵ روز انجام گرفت. در این نظرسنجی بیش از ۵۰ هزار پاسخ‌دهنده شرکت کردند و حدود ۹۰٪ پاسخ‌دهندگان ساکن ایران بوده‌اند. یافته‌های این گزارش، دیدگاه افراد باسواد بالای ۱۹ سال ساکن ایران (برابر با ۸۵٪ افراد بزرگسال در ایران) را بازتاب می‌دهد و با سطح اطمینان ۹۵٪ و حاشیه خطای ۵٪ قابل تعمیم به این جمعیت است».

آمارهای زیر، گزیده‌ای از برخی یافته‌های این نظرسنجی است:

۱. فاطر / ۴۰

۲. گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان (گمان) یک موسسه پژوهشی غیرانتفاعی، مستقل و ثبت شده در کشور هلند است.

«۴۷٪ جامعه اظهار داشته‌اند که از دین‌داری به بی‌دینی رسیده‌اند.  
 ۳۷٪ جامعه مسلمان شیعی یا سنی و ۶۳٪ باقی‌مانده غیر مسلمانند.  
 تنها ۲۶٪ جامعه به ظهور منجی بشریت معتقد هستند.  
 ۶۰٪ جامعه اعلام کرده‌اند که نماز نمی‌خوانند.  
 ۶۸٪ جامعه معتقدند که احکام دینی نباید معیار قانون‌گذاری قرار گیرد.  
 ۵۷٪ جامعه با آموزش تعالیم و تکالیف دینی در مدارس به فرزندان‌شان مخالف هستند.  
 ۴۲٪ جامعه ترجیح می‌دهند که تبلیغ تمامی ادیان در عرصه عمومی ممنوع باشد.  
 ۵۸٪ جامعه اساساً به حجاب اعتقاد ندارند.

حدود ۳۷٪ ایرانیان، با وجود محدودیت‌ها، بطور منظم یا گه‌گاه مشروبات الکلی می‌نوشند و حدود ۸٪ جامعه هم به دلیل عدم امکان خرید آن (عدم دسترسی یا هزینه) مشروبات الکلی مصرف نمی‌کنند.»

از این آمارها به وضوح دانسته می‌شود که ایران امروز بعد از گذشت چهار دهه حکومت فقیه، عملاً دیگر یک کشور اسلامی محسوب نمی‌شود! جای تأسف دارد وقتی به تاریخ مراجعه می‌کنیم و می‌بینیم که حاکمان مغول بعد از چهار دهه حکومت خود بر ایران، نتوانستند مردم را از دین جدا کنند، بلکه خود نیز به اسلام گرویدند<sup>۱</sup>، اما فقهای شیعه بعد از چهار دهه حکومت خود بر ایران، مردم را از دین بیزار کردند و به سوی کفر، الحاد و عدم پایبندی به احکام اسلامی سوق دادند! این به روشنی گویای آن است که رهبران ایران از رهبران مغول نیز بدتر بوده‌اند و طی چهار دهه حکومت خود، آسیب بیشتری به فرهنگ مردم وارد کرده‌اند! این آمارها که با واقعیت‌های ملموس بیرونی و شرایط محسوس زندگی مردم ایران هماهنگ است<sup>۲</sup>، نشان می‌دهد که حاکمان وقت ایران نه تنها در عمل به وعده‌های خود مبنی بر ایجاد رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم

۱. چنانکه در منابع تاریخی آمده است که هلاکو خان مغول در سال ۶۵۴هـ.ق به تأسیس سلسله‌ی ایلخانی پرداخت و غازان خان مغول در سال ۶۹۴هـ.ق به اسلام گروید و آن را دین رسمی اعلام کرد.  
 ۲. چنانکه ماه‌ها پیش از انتشار یافته‌های این نظرسنجی، جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی وضعیت نابسامان دین‌داری در مردم را با دقت نظر فوق‌العاده‌ای تبیین فرمود و برای مصون ماندن آنان از عذاب‌های بزرگ الهی هشدار داد. برای مطالعه‌ی سخن ایشان، به گفتار ۱۷۴ مراجعه کنید.

با استقرار حکومت دینی و تشکیل جامعه‌ی اسلامی ناکام مانده‌اند، بلکه در جهت کاملاً برعکس، ریشه‌ی دین‌داری را در جامعه خشکانده‌اند و با استقرار حکومت نفاق، موجبات وهن دین و گریز مردم از آن را فراهم آورده‌اند.

بدون شک، دین‌گریزی مردم ایران که خصوصاً در اعتراضات ماه‌های گذشته با جلوه‌هایی از دین‌ستیزی نیز همراه بوده است، ثمره‌ی کاشت نهال و آبیاری شجره‌ی خبیثه‌ای است که با اعتماد اشتباه به فقها و سپردن امر دین به آنان به جای انتخاب خلیفه‌ی معصوم خدا و سپردن حکومت به او شکل گرفته است. شاید توده‌ی مردم ایران در سال‌های آغازین انقلاب ۵۷ از سوء نیت و عملکرد حاکمان و دولت‌مردان خود ناآگاه بودند و از دامی که شیطان به اسم حکومت فقیه برایشان پهن کرده بود خبر نداشتند، اما چیزی که وضعیّت کنونی آنان را تلخ‌تر و تأسّف‌بارتر می‌کند، این است که آنان بعد از چشیدن طعم چهار دهه ظلم و ستم فقها و با وجود روشنگری‌های دلسوزانه و پدران‌هی حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی که نزدیک به ده سال است به طرق مختلف و با صراحت لهجه و شجاعتی مثال‌زدنی، نقاب از چهره‌ی حاکمان مزور و عالمان مزدور و وابسته به آنان برداشته است<sup>۱</sup>، هنوز به راهکار اساسی برای حلّ مشکلات خود پی نبرده‌اند و همچنان برای هدایت سگان کشتی جامعه و نجات آن از غرق شدن، به دنبال کسی جز خلیفه‌ی معصوم خداوند در زمین می‌گردند. به تعبیر این عالم نیک‌اندیش:

«آن‌ها سرنشینان کشتی سوراخی هستند که در حال غرق شدن است، اما به جای آن که سوراخ کشتی را بیابند و اصلاح کنند و جلوی ورود آب را از آن جا بگیرند، کاسه برداشته‌اند و با آن آب را بیرون می‌ریزند! غافل از این که هنوز کاسه‌ای بیرون نریخته‌اند که صدچندان جای‌گزین آن می‌شود! آیا با این وصف نمی‌توان گفت که سعی بیهوده می‌کنند؟ این است که کشتی جامعه، به تدریج فرو می‌رود و پس از مدتی در میان امواج سهمگین انحطاط، محو می‌گردد. **علت این غفلت مرگ‌بار آن است که آن‌ها سوراخ کشتی را پیدا نکرده‌اند.** می‌بینند که آب وارد می‌شود، اما نمی‌دانند از کجا! این‌هایی که امروز به عنوان نخبگان سیاسی یا فعالان ملی یا رهبران مذهبی یا حتی گروه‌های جهادی، دعوی اصلاحات اجتماعی و حلّ مشکلات مردم را دارند، همین طورند. بسیاری از آن‌ها همه‌ی توان خود را به کار می‌گیرند و دلسوزانه تلاش می‌کنند

۱. به عنوان نمونه بنگرید به: نامه‌ی ۱۲.

تاکستی جامعه را از غرق شدن نجات بدهند، امامت‌آسفانه تنها خود را خسته می‌کنند و نیروهایشان را هدر می‌دهند؛ چرا که تنها راه نجات کشتی، اصلاح سوراخ آن است و آن‌ها این کار را نمی‌کنند.»<sup>۱</sup>

چنانکه در یافته‌های نظرسنجی دیگری تحت عنوان «نگرش ایرانیان به سیستم سیاسی مطلوب» توسط مؤسسه‌ی مذکور، منتشر شده در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است:

«۸۸٪ جامعه داشتن یک نظام سیاسی مردم‌سالار و دموکراتیک را خوب می‌دانند. ۶۷٪ جامعه داشتن ساختار و نظامی که بر اساس قوانین دینی اداره می‌شود را بد ارزیابی می‌کنند و حدود ۲۸٪ آن را خوب می‌دانند.»

به علاوه، در این نظرسنجی آمده است که ۱۶٪ از جامعه، هیچ یک از افراد سیاسی و مدنی شناخته‌شده و ذکر شده در نظرسنجی را به عنوان نماینده‌ی خود در انتخابات آزاد قبول ندارند. این تعداد اگرچه کم است، اما می‌تواند یک نکته‌ی مثبت در جهت ایجاد تغییر در وضعیت نابسامان موجود محسوب شود و این نوید را بدهد که هنوز در کشور ایران - که دیگر به کشوری غیر اسلامی تبدیل شده است - معدود کسانی پیدا می‌شوند که حاضر باشند به گزینه‌های فعلی پشت کنند و چه بسا به امام مهدی علیه السلام روی آورند و با پذیرش دعوت مقدس بازگشت به اسلام خالص و کامل، به زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت برای تشکیل حکومت خداوند بر روی زمین بپردازند؛ خصوصاً با توجه به گزارش نظرسنجی اول که در آن آمده بود ۲۶٪ جامعه هنوز به ظهور منجی بشریت معتقد هستند.

به هر حال، جای هیچ تردیدی نیست که امام مهدی علیه السلام به عنوان خلیفه‌ی معصوم خداوند، تنها گزینه‌ی ممکن و باقی‌مانده برای رسیدن به قدرت سیاسی به منظور برقراری عدالت در جامعه است و کسان دیگر، اگرچه مطلوب ۸۴٪ مردم جامعه باشند، علم یا توان حل مشکلات را ندارند. گویا اغلب مردم ایران قصد ندارند از تجربه‌ی ناموفق خود و پدرانشان در نشانیدن کسانی غیر از خلیفه‌ی منصوب الهی بر مسند حکومت درس بگیرند. آنان باید بدانند که تشکیل حکومت عدل‌گستر و صالحه مشروط به حمایت و اطاعت شماری کافی از مردم از امام مهدی علیه السلام است. آری، اگر غیبت امام مهدی علیه السلام دست‌مایه‌ی رهبران جبار ایران و اذنباشان برای تصاحب قدرت



و بهانه‌ی مردم برای تعلل و کوتاهی در حمایت از آن حضرت است، جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب «هندسه‌ی عدالت» به آن پاسخ داده و فرموده است:

> امروز دست یافتن به حکومت، برای هر چوپانی ممکن است، چگونه برای انسان کامل امکان ندارد؟! مگر هرگاه مردم با اراده‌ی جدی و عمومی، خواستار به قدرت رسیدن یک «انسان» شده‌اند و برای این منظور دست به انقلاب زده‌اند، آن انسان به قدرت نرسیده و حاکمیت سیاسی نیافته است؟ به همین ترتیب، هرگاه مردم با اراده‌ی جدی و عمومی، خواستار به قدرت رسیدن انسان کامل بشوند و به هیچ حکومتی جز حکومت او راضی نباشند و برای این منظور انقلاب نمایند، انسان کامل به قدرت خواهد رسید و مجال حکومت خواهد یافت. اگر مانع از نگاه این دسته، غیبت اوست، تردیدی نیست که غیبت او نتیجه‌ی عدم آمادگی مردم بوده و امکان رفع آن، همواره برای آنان وجود داشته است. این امر، برخلاف آن چه تصور می‌شود کاملاً طبیعی، عادی و در دسترس است؛ بلکه می‌توان گفت: تصور خلاف آن، غیر طبیعی، غیر عادی و دور از واقعیت خواهد بود. بله، تشکیل حکومت او نیاز به زمینه‌هایی دارد، اما مگر تشکیل هر حکومت دیگری زمینه نمی‌خواهد؟! مگر حکومت‌های فعلی، بدون زمینه شکل گرفته‌اند؟! مگر تمام انقلاب‌های تاریخ بشر، چیزی جز زمینه‌سازی برای حکومت‌های مختلف بوده است؟! تردیدی نیست که انسان کامل، به عنوان انسانی زنده و آگاه، از این قاعده مستثنا نیست و مانند دیگران می‌تواند پس از تحقق شرایط مناسب سیاسی و اجتماعی، دولت تشکیل دهد. این شرایط مناسب، یک شرایط پیچیده، غیر عادی و دور از دسترس نیست؛ بل یک شرایط طبیعی است که برای هر حکومت دیگری نیز لازم و ضروری است. آری، اگر مردم آن اندازه که برای روی کار آوردن این و آن تلاش کردند برای روی کار آوردن انسان کامل تلاش می‌کردند، هم‌اکنون او در کار بود! اما مشکل این جاست که مردم، پشت خود را به هر کس سپردند و دست خود را به انسان کامل ندادند!<sup>۱</sup>

۱. هندسه‌ی عدالت، ص ۵۴-۵۶

بدیهی است در صورتی که مردم جامعه، متوجّه اشتباه فاحش خود نشوند و هر چه زودتر برای جبران خطای چند صد ساله در حمایت از حاکمان گوناگون با نهضت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام هم‌عهد و همراه نگردند، آخرین فرصت برای رسیدن به عدالت را نیز از دست می‌دهند و در عمل ثابت می‌کنند که مستحقّ هر آنچه بر سرشان بیاید هستند. آری، در این بین مؤمنان و علاقمندان به نهضت مقدّس بازگشت به اسلام باید خیرخواه توده‌ی ناآگاه جامعه باشند و با همت بالا و تلاش مضاعف، به مسئولیت مهمّ خود در دعوت مردم به سوی خیر، امر به معروف و نهی از منکر بپردازند تا زمانی که صدای‌شان به گوش همگان برسد و صالحان شناخته و از مردمان دیگر جدا شوند. در آن روز است که نصرت خداوند بر یاران مهدی و عذاب بر دشمنان او نازل می‌شود و زمین از ظلم و ظالمان پاک و از عدالت لبریز می‌شود؛ چنانکه فرموده است: **﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾**<sup>۱</sup>؛ «پس چون چیزی که یادآوری شدند را از یاد بردند، کسانی که از بدی نهی می‌کردند را نجات دادیم و کسانی که ظلم کردند را به عذابی ناگوار گرفتیم به سبب اینکه فسق می‌ورزیدند» و وعده داده است: **﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾**<sup>۲</sup>؛ «و هرآینه در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالحم وارث خواهند شد».

#### مقاله‌ها و نکته‌های دیگر از این نویسنده:

۷. مقاله‌ی «بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت بازگشت به اسلام پس از علم به حقانیت آن (۳)»
۶. مقاله‌ی «بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت بازگشت به اسلام پس از علم به حقانیت آن (۲)»
۵. مقاله‌ی «بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت بازگشت به اسلام پس از علم به حقانیت آن (۱)»
۴. مقاله‌ی «پدرخوانده»
۳. مقاله‌ی «مروری بر حکمت‌نامه‌ی هندسه عدالت»
۲. مقاله‌ی «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ حقیقت شو!»
۱. مقاله‌ی «منصور هاشمی خراسانی؛ زداينده‌ی بدعت‌ها از اسلام»



۱. الأعراف / ۱۶۵

۲. الأنبياء / ۱۰۵

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسان حفظه الله تعالى



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.